

بسم الله الرحمن الرحيم

## واقعه غدیر خم و اهمیت آن<sup>(۱)</sup>

نویسنده: آیت الله جاودان

سرتاسر حیات طیبه رسول اکرم ﷺ و لحظه به لحظه آن در نزد مسلمانان دارای اهمیتی بس شگرف و والاست؛ چراکه نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات قرآن، عاری از هرگونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است<sup>(۲)</sup>، بلکه عمل و فعل آن بزرگوار نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می‌نمایاند.<sup>(۳)</sup> اما در این میان، مقاطعی خاص از زندگی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیتی ویژه برخوردار می‌باشد که یکی از بارزترین آنها، واقعه غدیر خم است. واقعه غدیر از ابعاد مختلف و از جهات متفاوت، دارای درخشندگی و تألؤ خاصی در تاریخ اسلام است. کمتر مقطع تاریخی را می‌توان در جهان اسلام یافت که از لحاظ سند، اطمینان از اصل وقوع، کثرت راویان و اعتماد بزرگان و علمای مسلمین، قوت و استحکامی نظیر این رویداد مهم داشته باشد.

هنگامی که به راویان حدیث غدیر می‌نگریم، در مرتبه نخست نام اهل بیت گرامی رسول خدا ﷺ یعنی امام علی علیه السلام فاطمه زهرا علیها السلام امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دیده می‌شود و در مرتبه بعدی نام حدود ۱۱۰ تن از صحابه پیامبر اسلام ﷺ<sup>(۴)</sup> به چشم می‌خورد که در این میان، نام افرادی شاخص از میان صحابه همچون:

ابوبکر بن ابی‌قحافه	عمر بن الخطاب	عثمان بن عفان
عایشه بنت ابی‌بکر	سلمان فارسی	ابوذر غفاری
عمار یاسر	زبیر بن عوام	عباس بن عبدالمطلب
ام سلمه	زید بن ارقم	جابر بن عبدالله انصاری
ابوهریره	عبدالله بن عمر بن الخطاب	

و... توجه آدمی را به خود جلب می‌کند که تمامی آنان در محل غدیر حاضر بوده‌اند و حدیث غدیر را بدون واسطه نقل نموده‌اند. سپس در میان تابعین<sup>(۵)</sup>، حدیث غدیر از ۸۳ تن از تابعین نقل شده است که از جمله آنان می‌توان به:

۱- اصبع بن نباته

۲- سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب

۳- سعید بن جبیر

۴- سلیم بن قیس

۵- عمر بن عبدالعزیز (خلیفه اموی)

و... اشاره نمود.

پس از تابعین، در میان علمای اهل تسنن از قرن دوم تا قرن سیزدهم، ۳۶۰ تن، حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده‌اند که ۳ تن از صاحبان صحاح سته (صحاح ششگانه)<sup>(۶)</sup> و دو تن از پیشوایان فقهی اهل تسنن<sup>(۷)</sup> نیز در شمار این بزرگان جای دارند.<sup>(۸)</sup>

در بین محدثین و علمای شیعه نیز افراد فراوانی حدیث غدیر را در کتب مختلف، روایت نموده‌اند، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست. از این اندیشمندان می‌توان به:

۱- شیخ کلینی

۲- شیخ صدوق

۳- شیخ مفید

۴- سید مرتضی

و... اشاره نمود.<sup>(۹)</sup>

بنا بر آنچه که ذکر گردید، در میان بزرگان و محدثین اهل سنت و به دنبال دقت آنان بر روی راویان و طرق متفاوت نقل حدیث غدیر، اندیشمندان بسیاری، حدیث غدیر را حدیثی حسن<sup>(۱۰)</sup> و عده کثیری روایت غدیر را روایتی صحیح<sup>(۱۲)</sup> دانسته‌اند<sup>(۱۳)</sup> و حتی نزد عده‌ای از

بزرگترین صاحب‌نظران اهل تسنن، با توجه به شمار فراوان راویان و طرق متعدد نقل حدیث، که روایت غدیر دارد، آنرا حدیثی متواتر<sup>(۱۴)</sup> ذکر نموده‌اند.<sup>(۱۵)</sup> علما، بزرگان و محدثین شیعه نیز بالاتفاق، غدیر را حدیثی متواتر می‌دانند.<sup>(۱۶)(۱۷)</sup>

بر این اساس و بر طبق آنچه که گذشت، به خوبی آشکار می‌گردد یکی از مهمترین وقایع تاریخ پرفراز و نشیب اسلام که در بین عامه مسلمانان، واقعه‌ای مسلم، پذیرفته شده و قطعی تلقی می‌گردد، واقعه غدیر خم است.

از منظری دیگر، آنچه که بر گونه غدیر، رنگ جاودانگی می‌زند؛ و اهمیت این واقعه را مضاعف می‌گرداند، نزول ۲ آیه از قرآن کریم، یکی آیه ۶۷ سوره مائده<sup>(۱۸)</sup> و دیگری آیه ۳ سوره مائده،<sup>(۱۹)</sup> در ارتباط با این رویداد بزرگ است که بر طبق نظر مفسران نام‌آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات، مربوط به واقعه غدیر خم می‌باشد.<sup>(۲۰)(۲۱)</sup> هنگامی که کمی بیشتر در مقایسه مفاد این آیات و لحن آنها با سایر آیات قرآن کریم می‌اندیشیم، درمی‌یابیم اگر نگوییم چنین آهنگ کلامی در میان سایر آیات بی‌نظیر است، لاقلاً کمتر آیه‌ای را می‌توان یافت که مضامین و لحنی شبیه به این دو آیه داشته باشد. طبیعی است هر مسلمان هنگامی که در تلاوت قرآن بدین دو آیه می‌رسد، شگفت زده از خویش بپرسد این چه امر خطیری است که عدم ابلاغ آن توسط پیامبر اکرم ﷺ، زحمات ۲۳ ساله آن حضرت را تباه می‌گرداند و در این صورت نبی اکرم ﷺ هرگز رسالت خویش را به مردم نرسانده و وظیفه پیامبری را بجای نیاورده است؟ واقعاً این چه پیامی است که خداوند متعال به پیامبر خویش وعده داده است تا او را در زمینه ابلاغ آن، حافظ و نگهدار باشد؟ به علاوه، مگر این موضوع چه اهمیتی دارد که ابلاغ این پیام به امت و پیروی مردم از آن، سبب کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و رضایت پروردگار می‌گردد؟

پس دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که روز نزول و ابلاغ این امر مهم و خطیر که بدین واسطه، روز اکمال دین و رضایت پروردگار محسوب می‌گردد، دارای اهمیت بسزایی در میان مسلمین خواهد بود.<sup>(۲۲)</sup>

از آنچه که گذشت، مشخص می‌گردد علاوه بر مورخان که به تناسب فن خویش (و البته به دلیل اثرات و نتایجی که بر پایه این مطالعه بنا می‌گردد)، به واقعه غدیر نگاهی موشکافانه دارند،<sup>(۲۳)</sup> غدیر از آن جهت که حدیثی قطعی و متواتر است و کار یک محدث، شناسایی احادیث معتبر و دقت بر روی مفاهیم آنهاست، مورد توجه محدثین است<sup>(۲۴)</sup> و دارای جایگاهی ویژه در کتب مختلف حدیث می‌باشد. به خاطر نزول ۲ آیه ویژه از قرآن کریم درباره این واقعه که القاکننده مفهومی منحصر بفرد و دارای لحنی کم‌نظیر در میان سایر آیات است، غدیر منشأ بحث‌های گوناگونی در کتب تفسیری می‌باشد.<sup>(۲۵)</sup> با تکیه بر مفاهیم این آیات و اثرات شگرف اعتقادی مترتب بر آن، این واقعه منظور نظر مخصوص متکلمان واقع گشته است.<sup>(۲۶)</sup> حتی لغویین نیز توجه خاص خویش را به این رویداد مهم معطوف داشته‌اند و به هنگام شرح و توضیح کلمه غدیر خم (که نام محلی است)، به اصل این رویداد اشاره نموده‌اند.<sup>(۲۷)</sup> ادیبان و شعرای بسیاری در میان امت اسلامی در طول ۱۴ قرن، از همان لحظه وقوع و در همان صحنه گرفته تا روزگار معاصر، همواره این واقعه بزرگ را در آثار و اشعار خویش، توصیف و تشریح نموده‌اند.<sup>(۲۸)</sup>

آنچه که تاکنون ذکر شد، گوشه‌ای از اهمیت رویداد غدیر خم بود که در حد گنجایش این مقاله، به آن اشاره گردید. ما در این مجال به دنبال جستجو و تحقیق درباره این رویداد بزرگ اسلامی و این برهه از حیات رسول اکرم ﷺ می‌باشیم تا هرچه بیشتر و البته با رعایت اختصار، بتوانیم زوایای گوناگون آن را بررسی نماییم. لذا در ادامه، ابتدا اصل واقعه را به گونه‌ای که در بین مسلمین مشهور و مورد اتفاق است، نقل نموده، سپس به بررسی مفاد حدیث غدیر می‌پردازیم و بر روی مفاهیم آن، هرچه بیشتر تأمل می‌نماییم و در انتها نیز نتایجی را که به دنبال واقعه غدیر جلوه‌گر می‌گردد و مستلزم توجه ویژه مسلمانان می‌باشد، بر می‌شماریم.

## • واقعه غدیر خم

پیامبر اکرم بنا بر امر الهی، در سال دهم هجرت تصمیم به زیارت خانه خدا و بجا آوردن حج نمودند؛ لذا مردم را از این امر مطلع کردند<sup>(۲۹)</sup> و حتی برای آگاه نمودن اهالی مناطق مختلف، قاصدانی را به آن شهرها گسیل داشتند. فرستادگان حضرت نیز همانگونه که وجود مقدس رسول اکرم ﷺ خود اعلام نموده بودند، این پیام را به مردم رساندند که این آخرین حج رسول خداست و این سفر دارای اهمیت فراوانی است. هر کس که توانایی و استطاعت آن را دارد، بر او لازم است که پیامبر اکرم ﷺ را در این سفر همراهی نماید. گرچه رسول اکرم ﷺ با همراهی عده‌ای از اصحاب خویش پیش از این، اعمال عمره مفرده را انجام داده بودند،<sup>(۳۰)</sup> اما این نخستین بار و تنها مرتبه‌ای در طول حیات طیبه پیامبر اسلام بود که بنا بر امر الهی، حضرت تصمیم به بجای آوردن و تعلیم مناسک حج گرفتند. پس از این اعلام، جمعیت کثیری در مدینه جهت همراهی با رسول خدا ﷺ و بجای آوردن اعمال حج، مجتمع گشتند. مورخان و صاحب نظران از این سفر رسول خدا ﷺ با عنوان حجة الوداع<sup>(۳۱)</sup>، حجة الاسلام، حجة البلاغ<sup>(۳۲)</sup>، حجة الکمال و حجة التمام<sup>(۳۳)</sup> یاد می‌نمایند.

رسول اکرم ﷺ با پای پیاده و در حالی که غسل نموده بودند، در روز شنبه ۲۴ یا ۲۵ ذی‌قعدة به همراه همراهان خود و اهل بیت گرامیشان و عامه مهاجرین و انصار و جمعیت کثیری که گرداگرد حضرت اجتماع کرده بودند، به قصد بجای آوردن مناسک حج از مدینه خارج گشتند. تعداد جمعیتی که به همراه حضرت از مدینه خارج شده بودند را بین ۷۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ (و حتی برخی بیشتر از ۱۲۰۰۰) نقل نموده‌اند؛<sup>(۳۴)</sup> اما افراد بسیاری به غیر از این عده، نظیر اشخاصی که در مکه مقیم بودند و یا اشخاصی که از شهرهای دیگر خود به مکه آمده و در آنجا به حضرت ملحق شدند، به همراه پیامبر و با اقتدای به ایشان مناسک حج را در این سفر بجای آورده و رسول خدا ﷺ را همراهی نمودند. امام علی، پیش از تصمیم پیامبر برای بجای آوردن مناسک حج، از طرف ایشان برای تبلیغ اسلام و نشر معارف الهی به یمن فرستاده شده بودند؛ اما هنگامی که از تصمیم پیامبر برای سفر حج و

لزوم همراهی سایر مسلمین با آن حضرت در این سفر، آگاه گشتند، به همراه عده‌ای از یمن به سمت مکه حرکت نمودند و در آنجا پیش از آغاز مناسک، به رسول اکرم ﷺ ملحق شدند.<sup>(۳۵)</sup>

رسول خدا ﷺ و همراهیان آن حضرت، در میقات مسجد شجره مُحرم گشتند و بدین ترتیب اعمال حج را آغاز نمودند. گرچه اصول و کلیات مناسک حج قبلاً و به هنگام نزول آیات مربوطه، توسط رسول اکرم ﷺ توضیح داده شده بود، اما در این سفر، پیامبر این اعمال را به طور عملی برای مردم آموزش داده و جزئیات را برای آنان تبیین نمودند و در مواضع گوناگون، با ایراد خطابه، مردم را نسبت به سایر تکالیف الهی و وظایف شرعی‌شان آگاهی بخشیدند.

سرانجام اعمال حج، پایان یافت و پیامبر اکرم ﷺ به همراه جمعیت کثیری که ایشان را همراهی می نمودند، شهر مکه را ترک نمودند و رهسپار مدینه شدند که در بین راه به محل غدیر خم رسیدند.

غدیر در لغت به معنای آبریز و مسیل،<sup>(۳۶)</sup> و غدیر خم در جغرافیا، نام محلی است که به خاطر وجود برکه‌ای در این محل، که در آن آب باران جمع می شده است، به این نام (غدیر خم) شهرت یافته است. غدیر در ۳ - ۴ کیلومتری جُحفه واقع شده و جحفه در ۶۴ کیلومتری مکه قرار دارد که یکی از میقاتهای پنجگانه می باشد. در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می شود.<sup>(۳۷)</sup> غدیر خم به علت وجود مقداری آب و چندین درخت کهنسال، محل توقف و استراحت کاروانیان واقع می شد اما دارای گرمایی طاقت فرسا و شدید بود.<sup>(۳۸)</sup>

هنگامی که رسول اکرم در روز ۵ شنبه ۱۸ ذی الحجه به وادی غدیر خم رسیدند و پیش از جدایی اهالی شام، مصر و عراق از میان جمعیت، جبرئیل امین از جانب خداوند بر ایشان نازل گردید و آیه: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»<sup>(۳۹)</sup> را نازل نمود و از جانب حق تعالی، رسول اکرم ﷺ را امر نمود تا حکم

آنچه را که در قبل بر پیامبر درباره امام علی (علیه السلام) نازل گشته بود، به مردم ابلاغ نمایند. در این هنگام، پیشتازان کاروان و افرادی که جلوتر حرکت می نمودند، حوالی جحفه رسیده بودند. رسول اکرم (ص) پس از نزول آیه، دستور توقف کاروانیان را صادر نمودند و امر فرمودند تا آنانی که پیشاپیش حرکت می نمودند، به محل غدیر بازگردند و افرادی که در پس قافله، عقب مانده بودند، سریعتر به کاروان در این وادی، ملحق شوند.<sup>(۴۰)</sup> همچنین به چند تن از صحابه دستور دادند تا فضای زیر چند درخت کهنسال را که در آن محل قرار داشتند، آماده نمایند؛ خارها را از زمین برکنند و سنگهای ناهموار موجود در زیر آن درختان را جمع آوری نمایند. در این هنگام، زمان به جای آوردن نماز ظهر فرارسید و رسول اکرم (ص) فریضه ظهر را در گرمای شدید،<sup>(۴۱)(۴۲)</sup> به همراه جمعیت کثیر حاضر، ادا نمودند. شدت گرما در وادی غدیر به حدی بود که اشخاص، گوشه‌ای از ردا و لباس خویش را برای در امان بودن از شدت تابش آفتاب، بر سر می افکندند و مقداری از آنرا برای کاستن از شدت گرمای شنها و سنگها، در زیر پای خویش می گسترده.<sup>(۴۳)</sup> برای رسول خدا (ص) نیز پارچه‌ای بر روی شاخسار آن درختان کهن افکندند تا مانعی در برابر حرارت موجود و تابش خورشید، ایجاد نمایند. هنگامی که حضرت از نماز فارغ گشت، از جهاز شتران، در همان محلی که به فرمان رسول خدا توسط صحابه آماده شده بود، منبری ساختند و وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) بر فراز آن در آمدند و شروع به ایراد خطبه، با صدایی بلند و رسا نمودند؛ در حالی که جمعیت فراوان همراه پیامبر، بر گرداگرد حضرت جمع گشته بودند و به سخنان نبی اکرم (ص) گوش فرا می دادند و برخی از افراد نیز برای آنکه همگان از کلام رسول خدا (ص) مطلع گردند، سخنان آن حضرت را با صدایی بلند برای افرادی که دورتر قرار داشتند، تکرار می نمودند.

## خطابه حضرت در میان جمعیت بدین گونه ایراد گردید:

«حمد و ستایش مخصوص خداوند است و از او یاری می‌خواهیم و به او ایمان داریم و از شرور نفس‌هایمان و زشتیهای کردارمان، به او پناه می‌بریم؛ خداوندی که هدایتگری وجود ندارد برای کسانی که گمراهشان نماید و گمراه‌کننده‌ای وجود ندارد برای اشخاصی که او هدایتشان نماید و شهادت می‌دهم که جز خدا، معبودی نیست و محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست و اما بعد؛ ای مردم، خداوند لطیف و خبیر (دارای لطف فراوان و بسیار آگاه) مرا خبر داد که من به زودی (به سوی او) فرا خوانده می‌شوم و (دعوت او را) اجابت خواهم نمود.<sup>(۴۴)</sup> من مسئول هستم و شما نیز مسئولید. پس (درباره دعوت و مسئولیت من) چه می‌گویید؟»

حاضران در پاسخ گفتند: «شهادت می‌دهیم که دعوت خویش را ابلاغ نمودی و نصیحت کردی و کوشش نمودی، پس خداوند شما را جزای خیر دهد.»<sup>(۴۵)</sup>

سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: «آیا شهادت نمی‌دهید که معبودی جز خدا نیست و محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست؟ و (آیا شهادت نمی‌دهید که) بهشت و دوزخ خداوند، حق است و مرگ، حق است و قیامت می‌آید و در آن شکی نیست و خداوند کسانی را که در قبرها هستند مبعوث می‌گرداند؟»

حاضران گفتند: «بله ای رسول خدا، شهادت می‌دهیم.»

سپس در ادامه، رسول اکرم خداوند را بر این امر شاهد گرفتند و از مردم پرسیدند: «آیا (کلام مرا) می‌شنوید؟»

حاضرین گفتند: «بله یا رسول الله.»<sup>(۴۶)</sup>

پس حضرت فرمودند: «من پیش از شما در کنار حوض (کوثر) حاضر می‌گردم و شما در کنار آن بر من وارد می‌گردید و عرض آن به اندازه فاصله مابین بصری (شهری در حوالی شام) و صنعا (شهری در یمن) می‌باشد. در آن قدح‌هایی به تعداد ستارگان، از جنس نقره است؛ پس بنگرید که پس از من چگونه درباره ثقلین (دو شیء گرانبها) رفتار می‌نمایید.»

در این هنگام فردی ندا داد که « ثقلین چه هستند ای رسول خدا؟ »

رسول اکرم فرمودند: « ثقل اکبر کتاب خداست. جانبی از آن به دست خداوند و جانب دیگر آن در دستان شماس است. پس به آن متمسک شوید. (آنرا گرفته و از هدایت آن بهره برید.) که اگر به آن تمسک جوید، گمراه نمی شوید و ثقل دیگر و کوچکتر، عترت من هستند. خداوند لطیف خبیر مرا خبر داد که این دو ثقل تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد شوند، از یکدیگر جدا نمی گردند<sup>(۴۷)</sup> و من این را از پروردگارم مسئلت نموده ام. پس، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می گردید و از این دو، باز نمانید که هلاک می شوید. »<sup>(۴۸)</sup>

سپس رسول خدا، دست امام علی را بلند نمود تا همه مردم، ایشان را در کنار رسول خدا مشاهده نمودند.<sup>(۴۹)</sup> در این هنگام رسول اکرم ﷺ از حاضرین پرسیدند: « ای مردم، آیا من از خود شما، بر شما اولی و مقدم تر نیستم؟ »<sup>(۵۰)(۵۱)</sup>

مردم پاسخ دادند: « بله، ای رسول خدا. »<sup>(۵۲)</sup>

حضرت در ادامه فرمودند: « خداوند ولی من است و من ولی مؤمنین هستم و من نسبت به آنان از خودشان اولی و مقدم می باشم. »<sup>(۵۳)</sup>

آنگاه فرمودند: « پس هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. »<sup>(۵۴)</sup> رسول خدا ﷺ بار این جمله را تکرار نمودند<sup>(۵۵)</sup> و فرمودند: « خداوندا، دوست بدار و سرپرستی کن، هر کسی که علی را دوست و سرپرست خود بداند و دشمن بدار هر کسی که او را دشمن می دارد<sup>(۵۶)</sup> و یاری نما هر کسی که او را یاری می نماید و به حال خود رها کن، هر کس که او را وا می گذارد. »<sup>(۵۷)</sup>

سپس خطاب به مردم فرمودند: « ای مردم، حاضرین به غایبین (این پیام را) برسانند. »<sup>(۵۸)</sup>

هنوز جمعیت متفرق نگشته بودند که بار دیگر جبرائیل نازل شد و از جانب خداوند، آیه: « أَلْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ وَ أَمَمْتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِیْنًا »<sup>(۵۹)</sup> را بر پیامبر فرو فرستاد.

هنگامی که این آیه نازل گردید، نبی اکرم ﷺ فرمودند: «الله اکبر بر کامل شدن دین و تمام گشتن نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی پس از من.»<sup>(۶۰)</sup>

در این موقع، مردم به امیرمؤمنان، امام علی علیه السلام تهنیت گفتند. از جمله کسانی که پیشاپیش سایر صحابه، به امام علی علیه السلام تهنیت گفتند، ابوبکر و عمر بودند. عمر پیوسته خطاب به امیر مؤمنان می گفت: «بر تو گوارا باد ای پسر ابیطالب، تو مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی.»<sup>(۶۱)</sup>

در این هنگام، حسان بن ثابت که از شعرای زبردست بود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله اجازه خواست تا آنچه را که در این موقف درباره امام علی علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است، در ضمن ابیاتی بسراید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «به برکت الهی، بگو.» حسان، خطاب به بزرگان قریش گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید.» و این چنین سرود:

«در روز غدیر پیامبرشان با بانگ بلند ندایشان در داد، غدیری که در سرزمین خم قرار داشت و ای کاش مردم جهان بودند و رسول خدا را در حال ندا می دیدند که می فرمود: آیا من سرپرست و ولی شما نیستم؟

مردم در پاسخ او بدون هیچ پرده پوشی گفتند: معبود تو، مولای ما و تو ولی ما هستی؛ و تو ای خواننده شعر، اگر در آنجا بودی، حتی یک نفر هم مخالف نمی یافتی.

در این هنگام رو به علی بن ابیطالب علیه السلام کرد و فرمود: یا علی، برخیز که من تو را برای امامت و هدایت خلق بعد از خود (و از جانب خداوند) شایسته دیدم.»<sup>(۶۲)(۶۳)</sup>

آنچه ذکر شد، خلاصه جریان غدیر بود و همانگونه که در پاورقی ها، با تفصیل ذکر گردید، علمای بزرگ اهل تسنن و تشیع، آنرا نقل نموده اند. به یاری و توفیق الهی در ادامه و در مقاله ای مجزا، به بررسی مفاد حدیث غدیر و دقت هرچه بیشتر در آن خواهیم پرداخت.

۱. با توجه به کثرت منابعی که حدیث غدیر را ذکر نموده‌اند و طرق متعدد نقل آن، توجه شما خواننده گرامی را به این نکته جلب می‌نماییم که نام آن تعداد از مسانید، منابع و اشخاصی را که در شماره‌های مختلف پاورقی‌ها مشاهده می‌نمایید، تنها بخش اندکی از مستندات، مراجع و اشخاصی است که نقل آن قسمت، مستند به آنهاست و به جهت رعایت اختصار، نام تمامی منابع در هر قسمت ذکر نگردیده است.
۲. خداوند در آیه ۳ و ۴ سوره نجم، این امر را ذکر می‌نماید و می‌فرماید: "و ما ینطق عن الہوی (۳) ان ہو الا وحی یوحی (۴)" - "هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید (۳) آنچه می‌گوید، چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست. (۴)"
۳. یکی از طرقی که مسلمانان بدان وسیله می‌توانند به حکم الهی دست یابند، مطالعه و بررسی سنت نبوی و سیره رسول خداست؛ که از جایگاه ویژه‌ای در بین تمامی مسلمانان جهت دستیابی به اوامر الهی برخوردار است. این مطلب، از آیات مختلف قرآن استفاده می‌گردد. به عنوان مثال، خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب می‌فرماید:
۴. "لقد کان لکم فی رسول اللہ أسوۃ حسنۃ لمن کان یرجوا اللہ و الیوم الآخر و ذکر اللہ ذکراً کثیراً"
۵. "مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند."
۶. در این آیه، مسأله اسوه بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور مطلق و بدون قید و شرط، از جانب پروردگار، مطرح شده است؛ لذا کلیه شئون رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اعم از گفتار و رفتار آن بزرگوار را شامل می‌گردد و رفتار و گفتار ایشان در تمامی موارد، برای پیروان آن حضرت، اسوه می‌باشد و باید در آن امور به حضرت تأسی نمایند. (مگر آن دسته از اموری که از جانب خداوند معین گردیده است که عمل به آنها از مختصات شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد و تبعیت در آن امور، بر سایرین لازم نیست؛ نظیر وجوب نماز شب بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم).)
۷. لفظ "صحابه" یا "صحابی" به عده‌ای اطلاق می‌گردد که لااقل در طول عمر خویش، یک بار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را ملاقات نموده و از محضر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، استفاده کرده باشند.

۸. "تابعین" کسانی هستند که محضر رسول خدا را درک نموده اند، اما مصاحب و همنشین صحابه بوده اند.

۹. این سه تن عبارتند از:

الف) ابو عیسی، محمد بن عیسی ترمذی در صحیح ترمذی

ب) ابو عبدالرحمن، احمد بن شعیب نسائی در سنن نسائی

ج) ابو عبدالله، محمد بن یزید قزوینی (مشهور به ابن ماجه) در سنن ابن ماجه

۱۰. این دو تن عبارتند از:

الف) ابو عبدالله، احمد بن حنبل شیبانی (پیشوای حنبله)

ب) ابو عبدالله، محمد بن ادریس شافعی (پیشوای شافعیه)

ما در این مقاله جهت رعایت اختصار، به ذکر همین مقدار بسنده می کنیم. برای مطالعه تفصیلی در خصوص راویان حدیث غدیر در میان صحابه، تابعین و علمای اهل تسنن، به همراه مدارک و جزئیات بیشتر، می توانید به کتاب گرانقدر الغدیر، تألیف علامه امینی، جلد اول، صفحه ۱۵۹-۱۴ مراجعه نمایید.

۱۱. مرحوم علامه امینی پس از نقل راویان حدیث غدیر، در قسمتهای بعدی الغدیر، نام کتبی را که در میان اهل تسنن به طور مجزا در خصوص واقعه غدیر خم تألیف شده است، برمی شمرد و احتجاجات مختلفی را که در طول تاریخ بر اساس رویداد غدیر صورت گرفته (از جانب بزرگان صحابه و یا حتی برخی خلفای اموی و عباسی و...) نقل می نماید و سپس بحث دقیقی را در زمینه مفاد حدیث غدیر و سند آن، طرح می کند. در فصول و مجلدات بعدی این کتاب ارزشمند نیز علامه امینی، نام شعرای فراوانی را که در میان امت اسلامی از هنگام وقوع رویداد غدیر تا کنون، این رویداد را در ضمن اشعار خویش نقل نموده اند (به همراه ذکر آثارشان) بر می شمرد، تا هرچه بیشتر این حقیقت تبیین گردد که غدیر در میان امت اسلامی، فراموش ناشدنی است.

۱۲. به غیر از کتاب گرانقدر الغدیر، کتب بی شمار دیگری نیز نظیر کتاب شریف عبقات الأنوار، تألیف میر حامد حسین هندی (که دارای تفصیل بیشتری نسبت به کتاب الغدیر در باره بحثهای مطرح شده در زمینه سند حدیث غدیر است) و فضائل الخمسة فی صحاح الستة، تألیف علامه فیروز آبادی و... موجود می باشد که به بررسی سند و دلالت این حدیث شریف در میان مسلمین پرداخته اند.

۱۳. این بزرگان در آثار متعدد خویش حدیث غدیر را نقل نموده اند که برای رعایت اختصار، تنها به ذکر یک اثر از هر کدام، که در آن اثر حدیث غدیر روایت شده است، بسنده می شود:

(الف) شیخ کلینی در کافی

(ب) شیخ صدوق در امالی

(ج) شیخ مفید در ارشاد

(د) سید مرتضی در شافی

۱۴. حدیث حسن، از لحاظ رتبه، در مرتبه بعد از حدیث صحیح قرار دارد و حدیثی است که رجال سند آن، ناشناخته و یا اهل غفلت، کثیر الخطا، متهم به کذب و یا فسق نباشند. (مقدمه ابن صلاح، صفحه ۱۷۵)

۱۵. از جمله این بزرگان می توان به ابو عبدالله گنجی در کتاب کفایة الطالب و... اشاره نمود همچنین عده ای دیگر از علمای اهل تسنن برخی از طرق نقل حدیث غدیر را "حسن" دانسته اند و برخی از طرق دیگر را صحیح ذکر نموده اند، نظیر ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب و...

۱۶. حدیث صحیح از دیدگاه اهل سنت، حدیثی است که دارای سندی متصل و بدون انقطاع تا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (و یا شخص دیگری که حدیث از او نقل می گردد)، باشد و تک تک راویان آن عادل محسوب شوند و همچنین حدیث دیگری نتوان یافت که دارای مفهومی بر خلاف آن باشد و به طور کلی هیچ گونه عیب و نقصی در آن یافت نشود. (مقدمه ابن صلاح)

۱۷. در این میان می توان به بزرگانی همچون ابوعیسی ترمذی در صحیح ترمذی (جلد ۵، باب ۲۰) (باب مناقب علی بن ابیطالب)، ذیل حدیث (۳۷۱۳) - ابوعبدالله حاکم نیشابوری در مستدرک صحیحین، طبری (بر طبق نقل ذهبی در تذکره الحفاظ، جلد ۲، صفحه ۷۱۳، شماره ۷۲۸) - شمس الدین ذهبی در کتابی که به طور مجزا درباره حدیث غدیر تألیف نموده است (و همچنین بنا بر نقل ابن کثیر در البدایة و النهایة، جلد ۵، صفحه ۲۲۹-۲۲۸ که درباره یکی از طرق نقل حدیث غدیر می گوید: قال شیخنا ابوعبدالله ذهبی و هذا حدیث صحیح - شیخ ما ابوعبدالله ذهبی گوید که این حدیث، حدیثی صحیح است.) - ابوالحسن مغزلی در کتاب مناقب به نقل از استادش - ابن حجر هیثمی در صواعق المحرقة (صفحه ۴۳) - ابن عبد البر در الاستیعاب و... اشاره نمود که همگی حدیث غدیر را حدیثی "صحیح" برشمرده اند.

۱۸. حدیث متواتر از دیدگاه علم حدیث، به حدیثی گفته می‌شود که به علت کثرت نقل و طرق متعددی که روایت شده است، احتمال خدشه دار بودن آن و تبانی بین روایان مختلف بر سر جعل حدیث، از نظر عادی محال باشد. بنابراین حدیث متواتر حدیثی است که قطعاً از جانب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و یا سایرین، صادر شده است. (تهانوی در قواعد فی علوم الحدیث، صفحه ۳۲ و ۳۳)

۱۹. در میان قدما و علمای سلف اهل تسنن، بزرگانی همچون ذهبی (بر طبق نقل ابن کثیر در البدایة و النهایة، جلد ۵، صفحه ۲۳۳، ذیل یکی دیگر از طرق نقل حدیث غدیر) - جلال الدین سیوطی - شمس الدین جرزی شافعی در کتاب أسنی المطالب و... و در میان معاصرین، اشخاصی همچون ضیاء الدین مقبلی در کتاب الابحاث المسددة فی الفنون المتعددة، شهاب الدین ابوالفیض خضرمی در کتاب تشنیف الآذان و... حدیث غدیر را حدیثی "متواتر" دانسته اند.

۲۰. از این میان می‌توان به عنوان نمونه به بزرگانی نظیر: خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الإعتقاد (مقصد خامس، فی الإمامة، صفحه ۲۲۶) - شیخ طوسی در تلخیص الشافی (جلد ۲، صفحه ۱۶۸) - علامه حلی در مناهج الیقین (صفحه ۴۷۵) اشاره نمود. به عنوان مثال، عبارت شیخ طوسی در کتاب تلخیص الشافی اینگونه است: "فإن الشيعة قاطبة تنقله و تواتر به - شیعیان همگی، آن را نقل کرده و متواتر برشمرده اند."

۲۱. باید توجه داشت که طرق متعدد و روایان مختلفی که هم اکنون برای حدیث غدیر در کتب گوناگون مسلمین موجود می‌باشد با وجود کثرت کم نظیر آن، تمامی طرق نقل حدیث غدیر نمی‌باشند و شواهد مختلف تاریخی بیانگر این مطلب است که بسیاری از طرق نقل حدیث غدیر و همچنین نام برخی دیگر از روایان آن در طول تاریخ، خواسته یا ناخواسته از بین رفته است و ما هم اکنون به آنها دسترسی نداریم. به عنوان مثال، سلیمان حنفی از علمای اهل تسنن در کتاب ینابیع الموده (جلد ۱، صفحه ۳۴) از ابی المعالی جوینی (ملقب به امام الحرمین و استاد ابو حامد غزالی) نقل می‌کند که او می‌گفت: در بغداد، کتابی را در دست صحافی مشاهده نمودم که در آن طرق مختلف نقل حدیث غدیر ذکر شده بود و بر روی آن نوشته شده بود که جلد ۲۸ از طرق نقل این گفتار رسول اکرم (ص): "من كنت مولاة فعلى مولاة"، و در پس آن مجلد ۲۹ آن نیز موجود بود. و یا ابن کثیر (از علمای اهل تسنن در قرن ۸)، در البدایة و النهایة (جلد ۵، صفحه ۲۲۷) نقل می‌کند که طبری (از علمای بزرگ قرن ۴، مورخ صاحب نام اهل تسنن و صاحب تاریخ و تفسیر طبری) نسبت به این حدیث

توجه داشت و ۲ جلد کتاب مجزا در زمینه طرق نقل حدیث غدیر و الفاظ آن تألیف نمود. (که در حال حاضر به هیچ یک از این دو کتاب، دسترسی نیست).

۲۲. "یا أيها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلّغت رسالته و الله یعصمک من الناس"

۲۳. "ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی)، اصلاً پیغام پروردگار را نرسانی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می دارد."

۲۴. "... الیوم أكملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً..."

۲۵. "... امروزست که دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم..."

۲۶. در بین مفسرین و علمای اهل تسنن به عنوان نمونه، می توان به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولائیة، ابوالحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول، حاکم حسکانی در شواهد التنزیل و... و در بین مفسرین شیعه می توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الاسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... اشاره نمود که شأن نزول آیه ۶۷ سوره مائده (آیه تبلیغ) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده اند.

۲۷. در میان مفسرین شیعی، می توان به عنوان نمونه به بزرگانی همچون شیخ طوسی در تبیان، ثقة الاسلام طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبائی در المیزان و... و در بین علمای اهل تسنن، می توان به عنوان نمونه به افرادی نظیر: محمد بن جریر طبری در کتاب الولائیة-حاکم حسکانی در شواهد التنزیل - خطیب بغدادی در تاریخش (جلد ۸، صفحه ۲۹۰- (حموینی در فرائد السمطین و... اشاره نمود که شأن نزول این فرآز از آیه ۳ سوره مائده (آیه اکمال) را درباره واقعه غدیر ذکر نموده اند.

۲۸. بحث و بررسی بیشتر بر روی مفاهیم این دو آیه به طور مجزا در قسمت امامت در قرآن، طرح خواهد شد.

۲۹. در میان این مورخان و از بین مورخان صاحب نام اهل تسنن می توان به: مسعودی در مروج الذهب - بلاذری در انساب الأشراف - ابن عساکر در تاریخش - خطیب بغدادی در تاریخش - ذهبی در تذکره الحفاظ - ابن اثیر در أسد الغابة - سیوطی در تاریخ الخلفاء - شهرستانی در ملل و نحل و... اشاره نمود. در بین مورخان شیعه نیز می توان به عنوان نمونه به اشخاصی همچون یعقوبی در تاریخش، شیخ مفید در ارشاد، طبرسی در إعلام الوری و... اشاره نمود.

۳۰. در بین محدثان فراوانی که حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده اند و در میان اهل تسنن می توان به عنوان نمونه به محدثینی نظیر: ابن ماجه در سنن خویش - ترمذی در صحیحش - نسائی در سنن الکبری - امام شافعیه ابوعبدالله محمد بن ادريس شافعی (بر طبق نقل ابن اثیر در کتاب نهاییه، جلد ۵، صفحه ۲۲۸) - امام حنابلہ احمد بن حنبل در مسند و همچنین در کتاب مناقب، اشاره نمود. در بین عده فراوان محدثین شیعه که این حدیث را در کتب روایی خویش نقل نموده اند نیز نام بزرگانی همچون شیخ صدوق در کتاب امالی - شیخ کلینی در کتاب کافی - شیخ طوسی در أمالی و... به چشم می خورد.

۳۱. در میان مفسرین متعدد اهل تسنن که به تناسب آیات قرآن کریم (اعم از شأن نزول آیات و یا به هنگام تفسیر آنها) به بررسی واقعه غدیر پرداخته اند، می توان به بزرگانی نظیر طبری - واحدی در اسباب النزول - فخر رازی در التفسیر الکبیر - قرطبی - سیوطی در الدر المنثور و... اشاره نمود و در بین خیل فراوان مفسرین شیعه نیز که غدیر را در کتب تفسیری خویش نقل نموده اند، می توان از شیخ طوسی در تبیان - طبرسی در مجمع البیان - علامه طباطبائی در المیزان و... یاد نمود.

۳۲. در میان متکلمین اهل تسنن که به تناسب مباحث مطرح شده در علم کلام، ناگزیر، به بررسی واقعه غدیر پرداخته اند، می توان به سید شریف جرجانی در شرح مواقف - سیوطی در کتاب اربعینش - آلوسی در نثر اللئالی - تفتازانی در شرح مقاصد - قوشجی در شرح تجرید و... اشاره نمود. متکلمین شیعه نیز نظیر خواجه نصیر الدین طوسی در متن تجرید الاعتقاد - علامه حلی در شرح تجرید الاعتقاد - سید مرتضی در الشافی - شیخ طوسی در تلخیص الشافی و... در کتب کلامی ذکر شده به بررسی این واقعه مهم پرداخته اند.

۳۳. در میان لغویین و علمای لغت که در کتب خویش متذکر واقعه غدیر شده اند، می توان به ابن اثیر در نهاییه، حموی در معجم البلدان، زبیدی حنفی در تاج العروس و... اشاره نمود.

۳۴. شعرای بسیار فراوانی در طول ۱۴ قرن گذشته در میان سایر فرق اسلامی، واقعه غدیر را در اشعار خویش، متضمن شده اند و کمتر رویدادی در میان شعرا این چنین بازتاب گسترده ای داشته است. در این بین می توان به افرادی همچون حسان بن ثابت، عمرو عاص، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری، دعبل بن علی خزاعی و... اشاره کرد.

۳۵. مدارک اهل تسنن: تاریخ اسلام ذهبی، بخش مغازی، صفحه ۷۰۱ - المنتظم، جلد ۴، صفحه ۵ - سیره حلبیه، جلد ۳، صفحه ۳۰۸.

۳۶. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۱ - إعلام الوری، صفحه ۱۳۷.

۳۷. یکی از این سفرها، یک سال پس از صلح حدیبیه - که میان مسلمین و مشرکان مکه روی داد - واقع شد.
۳۸. نامگذاری این سفر به حجة الوداع، از آن جهت است که این سفر حج، آخرین سفر حج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول عمر پربرکتشان بوده است و همانگونه که پیامبر خود نیز اعلام نموده بودند، پس از این سفر (حدود ۲ ماه و نیم بعد)، روح والای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از جسم خاکی مفارقت نمود و در اعلیٰ علین مأوا گرفت.
۳۹. ظاهراً این نامگذاری به علت نزول آیه تبلیغ (آیه ۶۷ سوره مائده) در پایان این سفر و در جریان واقعه غدیر خم بوده است.
۴۰. اینگونه به نظر می آید که تناسب این نامگذاری به جهت مفاد آن فراز از آیه ۳ سوره مائده می باشد که در انتهای این سفر و در محل غدیر خم، بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردید.
۴۱. مدارک اهل تسنن: تذکره خواص الأمة، صفحه ۳۰ - سیره حلبیه، جلد ۳، صفحه ۳۰۸ - سیره احمد زینی دحلان، جلد ۳، صفحه ۳.
۴۲. مدارک شیعه: احتجاج طبرسی، جلد ۱، صفحه ۵۶ (طبرسی تعداد همراهان رسول خدا را ۷۰'۰۰۰ یا بیشتر ذکر می نماید).
۴۳. مدارک اهل تسنن: صحیح بخاری، جلد ۲، باب ۸۱، حدیث ۲، صفحه ۱۵۹ و جلد ۳، کتاب العمرة، باب عمرة التعمیم، صفحه ۴ - صحیح مسلم، جلد ۴، باب اهللال النبی و هدیه، حدیث اول، صفحه ۵۹ - البدایة و النهایة، جلد ۵، صفحه ۲۲۷ - سیره حلبیه، جلد ۳، صفحات ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۳۶.
۴۴. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۲ - إعلام الوری، صفحه ۱۳۸.
۴۵. لسان العرب، ریشه غدر، ذیل کلمه الغدیر.
۴۶. معجم البلدان، ذیل کلمه جحفه.
۴۷. ابن خلکان در وفیات الاعیان (جلد ۵، صفحه ۲۳۱) از حازمی نقل می نماید: "و هذا الوادی موصوف بكثره الوخامة و شدة الحر"
۴۸. "این وادی، به هیچ وجه قابل سکونت نبوده و هوای آن شدیداً گرم می باشد."
۴۹. "ای پیامبر، آنچه را از ناحیه پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن (و برسان) و اگر انجام ندهی (نرسانی) اصلاً پیغام پروردگار را نرسانی و خدا تو را از (شر) مردم، نگه می دارد."
۵۰. خصائص نسائی، صفحه ۲۵ (رد من تبعه و لحقه من تخلف).

۵۱. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۳۷۲ - معجم الكبير جلد ۵، صفحه ۲۰۲ و ۲۰۳، حدیث ۵۰۹۲ - البداية و النهاية، جلد ۴، صفحه ۳۸۵.
۵۲. در لفظ عربی حدیث این گونه ذکر گردیده است که: "فصلاها بهجیر". کلمه هجیر بر طبق نقل ابن اثیر در کتاب "النهاية" (جلد ۵، صفحه ۲۴۶)، به معنای شدت یافتن گرما در هنگام ظهر است (الهجیر و الهجارة: اشتداد الحر نصف النهار)، در نتیجه معنای این سخن آن می گردد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شرایطی به همراه سایر مسلمانان نماز جماعت بجای آوردند که هوا به شدت گرم بود؛ همچنین حاکم نیشابوری در "مستدرک صحیحین" (جلد ۳، صفحه ۵۳۳) و طبرانی در "معجم الكبير" (جلد ۵، صفحه ۱۷۱، حدیث ۴۹۸۶)، از قول یکی از راویان حدیث غدیر نقل می نمایند که هیچ روزی از لحاظ گرما، شدیدتر از روز غدیر بر ما نگذشته بود (ما أتى علينا يوماً كان أشدَّ حرّاً منه). همان طور که مشخص گشت، گرمای هوا در سرزمین غدیر و به هنگام توقف مسلمین به امر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بسیار طاقت فرسا و شدید بوده است، بنا بر این یقیناً توقف کاروانیان در چنان شرایط جوی نامناسب، به فرمان الهی و ابلاغ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، برای ابلاغ امری بسیار حیاتی، حساس و خطیر به مردم صورت گرفته است.
۵۳. مدارک اهل تسنن: ابن مغزلی در مناقب، صفحه ۱۷ - شرح مقاصد تفتازانی، جلد ۵، صفحه ۲۷۳.
۵۴. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ و ۹۳ - اعلام الوری، صفحه ۱۳۹ (و كان يوماً قائظاً شديداً الحرّ... ان اكثرهم ليلف رداً تحت قدميه من شدة الرضاء) - كشف الغمة، جلد ۱، صفحه ۴۸ - كشف اليقين، صفحه ۲۴۱ (و كان اكثرهم يشدّ الرداء على قدميه من شدة الحرّ).
۵۵. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۵۳۳ - خصائص نسائی، صفحه ۲۸ (با اندکی اختلاف در لفظ) - كنز العمال، جلد ۱، صفحه ۱۸۷، حدیث ۹۵۳ و... (كأنی قد دعیت فاجبت).
۵۶. مدارک شیعه: خصال، جلد ۱، صفحه ۶۶ - ارشاد، صفحه ۹۴ (با اندکی اختلاف در عبارت) (آتی قد دعیت و یوشك أن أجیب) - إعلام الوری، صفحه ۱۳۹.
۵۷. مدارک اهل تسنن: صواعق المحرقة، صفحه ۴۳ - سیره حلیه، جلد ۳، صفحه ۳۳۶ - كنز العمال، جلد ۵، صفحه ۲۸۹، حدیث ۱۲۹۱۱.
۵۸. مدارک شیعه: خصال، جلد ۱، صفحه ۶۶ - كشف الغمة، جلد ۱، صفحه ۴۹ و ۴۸ (با اندکی اضافات در عبارت).
۵۹. مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۰۴ و ۱۶۳ - ابن طلحه شافعی در مطالب السؤل، صفحه ۱۶.

۶۰. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۰۹ (با اندکی اختلاف در لفظ) - خصائص نسائی، صفحه ۲۱ (نقل با اختصار) - صحیح مسلم، جلد ۷، باب فضائل علی بن ابیطالب، صفحه ۱۲۳ و ۱۲۲ (با اندکی اختلاف در لفظ) - معجم الکبیر، جلد ۵، صفحه ۱۶۷ و ۱۶۶ (حدیث شماره ۴۹۷۱) - کنز العمال، جلد ۱، صفحه ۱۸۹ و ۱۸۸، حدیث ۹۵۸.

۶۱. مدارک شیعه: خصال، جلد ۱، صفحه ۶۷ و ۶۶ (با اندکی اختلاف در عبارت) - کشف الغمّة، جلد ۱، صفحه ۵۰ و ۴۹ (با اندکی اختلاف در عبارت)

۶۲. مدارک اهل تسنن: مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۶۲ و ۱۶۳ - معجم الکبیر جلد ۵، صفحه ۱۶۷ (حدیث شماره ۴۹۷۱).

۶۳. مدارک اهل تسنن: شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۹۰ (حتی رئی بیاض ابیطیه) - خصائص نسائی، صفحه ۲۱ (انه ما كان في الدوحات احد آلا رآه بعينه و سمعه باذنه) - معجم الکبیر، جلد ۵، صفحه ۱۶۶ (حدیث شماره ۴۹۶۹)، (ما كان في الدوحات احد آلا قد رآه بعينه و سمعه باذنه) - كنز العمال، جلد ۱۳، صفحه ۱۰۴، حدیث ۳۶۳۴۰: (ما كان في الدوحات احد الا قد رآه بعينه و سمعه باذنه).

۶۴. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ (پیامبر دو دست امیر المؤمنین را بلند نمود) - إعلام السوری، صفحه ۱۳۹ - امالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷ - خصال، جلد ۱، صفحه ۳۱۱.

۶۵. مفهوم این گفتار نبوی اشاره به آیه ۶ سوره احزاب دارد که در آن خداوند می فرماید:

۶۶. "النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ..."

۶۷. "پیامبر نسبت به مؤمنین، از خودشان سزاوارتر و مقدم تر است." معنای اولویت پیامبر بر مؤمنین نسبت به جانهای آنان را می توان بر اساس قرآن کریم و تعالیم معصومین به خوبی دریافت. پروردگار متعال در قرآن مجید آیه ۳۶ سوره احزاب می فرماید:

۶۸. "ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله أمرا ان يكون لهم الخيرة..."

۶۹. "هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد." بنابراین، چون اوامر الهی و احکام و دستورات نبوی، مبری از هرگونه انحراف و نادرستی است (به علت کمال محض ذات خداوند و مقام عصمت رسول خدا)، و حق محض می باشد، لذا نه تنها مؤمنین مأمور به اطاعت همه جانبه از آن می باشند، بلکه در برابر آن حتی نباید فکر مخالفت بکنند و یا از حکم خدا و رسول احساس ناخشنودی نمایند؛ بدان معنا که وقتی خداوند و رسول اکرم درباره چیزی، حکمی نمودند، دیگر در آن زمینه، اراده مؤمنین، خواسته ها، علائق و تمایلات نفسانی آنان جایی برای بروز و ظهور نخواهد داشت و حکم الهی و فرامین نبوی،

نسبت به اراده، خواسته ها و تمایلات درونی آدمی، مقدم تر و برای اجرا گشتن، سزاوارتر می باشد؛ چرا که قطعاً و به طور یقین آدمی را به صراط مستقیم و حق مطلق راهنمایی می سازد و از پیمودن مسیر باطل باز می دارد. مفهوم اولویت خداوند و رسول او بر مؤمنین نسبت به جانهایشان نیز همین است.

۷۰. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، حدیث ۱۱۶ - مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ (ألستم تعلمون أنى أولى بالمؤمنين من أنفسهم) - مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۱۰ - ذهبی در تاریخ الاسلام، قسمت عهد خلفا، صفحات ۶۲۸ و ۶۳۱ و ۶۳۲ (با اندکی اختلاف در لفظ) - البدایة و النهایة، جلد ۷، صفحه ۳۸۶ - مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۰۴.

۷۱. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ (با اندکی اختلاف در عبارت) (ألست أولى بكم منكم بأنفسكم) - إعلام السوری، صفحه ۱۳۹ (با اندکی اختلاف در عبارت) - خصال، جلد ۱، صفحه ۳۱۱ - تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷ (ألست أولى بكم منكم بأنفسكم) - أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷ (ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم).

۷۲. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، (حدیث شماره ۱۱۶) - مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ و... - تاریخ اسلام ذهبی، قسمت عهد خلفا، صفحه ۶۳۲ - البدایة و النهایة، جلد ۷، صفحه ۳۸۶ - فرائد السمطین، باب ۱۳ - خطیب بغدادی در تاریخش، جلد ۸، صفحه ۲۹۰ (ألست ولیّ المؤمنین؟ قالوا بلی) - مناقب خوارزمی، صفحه ۹۴.

۷۳. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ - خصال، جلد ۱، صفحه ۳۱۱ - تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷ - أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷.

۷۴. مدارک اهل تسنن: مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۰۹ (إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَوْلَىٰ وَاَنَا مَوْلَىٰ كُلِّ مُؤْمِنٍ) - البدایة و النهایة، جلد ۷، صفحه ۳۸۶.

۷۵. مدارک شیعه: کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۲۷۶ (با اندکی اختلاف در سیاق عبارت) - غیبه نعمانی، صفحه ۶۹ - کشف الغمه، جلد ۱، صفحه ۳۱۸ (أَنَّ اللَّهَ مَوْلَىٰ وَاَنَا مَوْلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ).

۷۶. مدارک اهل تسنن: صحیح ترمذی جلد ۵، باب ۲۰ (باب مناقب علی بن ابیطالب)، صفحه ۶۳۳، حدیث شماره ۳۷۱۳ - صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، (حدیث شماره ۱۱۶) (فهذا ولیّ من أنا مولاه) و جلد ۱ صفحه ۴۵

- (حدیث شماره ۱۲۱) - مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۳۷۲ و ۲۸۱ و... - مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۱۰ و ۱۰۹ - خصائص نسائی، صفحه ۲۲ - ابن اثیر در کتاب نهاییه، جلد ۵، صفحه ۲۲۸ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۱۲، صفحه ۲۱۹ - صواعق المحرقة، باب ۹، حدیث ۴، صفحه ۱۲۲ - بخاری در تاریخ الكبير، جلد ۱، قسم ۱، صفحه ۳۷۵ - التنبيه و الإشراف، صفحه ۲۲۱ (با این اختلاف که مسعودی واقعه غدیر را پس از بازگشت از صلح حدیبیه نقل می کند).
۷۷. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۹۵ و ۲۹۴ و جلد ۸، صفحه ۲۷ - ارشاد، صفحه ۹۴ - وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۵۸ - إعلام الوری، صفحه ۱۳۹ - تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷ - أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۲۷ و ۲۴۷ و...
۷۸. مدارک اهل تسنن: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲، صفحه ۲۲۹ و ۲۲۸ - تذکره خواص الامه، صفحه ۲۹.
۷۹. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۹۵ و ۲۹۴ - أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۴۷ - كشف الغمّه، جلد ۱، صفحه ۵۰.
۸۰. مدارک اهل تسنن: صحیح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا، باب فضائل علی بن ابیطالب، جلد ۱، صفحه ۴۳، (حدیث شماره ۱۱۶) - مستدرک صحیحین، جلد ۳، صفحه ۱۰۹ - مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۱۴۸ و ۱۴۹ - مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و... - البدايه و النهايه، جلد ۷، صفحه ۳۸۶، صواعق المحرقة، باب ۹، صفحه ۱۲۲ (حدیث شماره ۴) - خصائص نسائی، صفحه ۲۱ و ۲۳ و...
۸۱. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۹۵ و ۲۹۴ - ارشاد، صفحه ۹۴ - أمالی شیخ طوسی، صفحه ۲۵۴ و ۳۳۲ - تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷.
۸۲. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۱۱۸ و ۱۱۹ - شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۵۷ - مجمع الزوائد، جلد ۹، صفحه ۱۰۵.
۸۳. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ - خصال، جلد ۱، صفحه ۶۶ و جلد ۲، صفحه ۴۷۹ - تلخیص الشافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۷.
۸۴. مدارک شیعه: اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۸۹ - كشف الغمّه، جلد ۱، صفحه ۵۰.
۸۵. قسمتی از آیه ۳ سوره مائده: " ... امروزست که دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم... "، به غیر از مفسرینی که نام برخی از آنان در پاورقی شماره ۲۱ ذکر شد و شأن نزول این فراز از آیه را واقعه غدیر دانسته اند، مورخین و محدثین گوناگونی نیز شأن نزول این فراز آیه ۳ سوره مائده را واقعه غدیر برشمرده اند که به عنوان نمونه در

میان مورخین و محدثین اهل سنت می‌توان به ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق اشاره نمود .  
تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۲، صفحه ۲۳۴ و ۲۳۳ (۳-حدیث از ابوهریره) و صفحه ۲۳۷ (۱-حدیث از ابو سعید خدری).

۸۶. مدارک اهل تسنن: شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۱۵۸ و ۱۵۷ - مناقب خوارزمی، صفحه ۸۰.

۸۷. مدارک شیعه: کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۲۷۷ (الله اکبر بتمام النعمه و کمال نبوتی و دین الله عز و جلّ و ولایه علی بعدی).

۸۸. مدارک اهل تسنن: مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۸۱ - تاریخ اسلام ذهبی، قسمت عهد خلفا، صفحه ۶۳۳ (أصبحت و أمسیت مولى كل مؤمن و مؤمنة) - ابن اثیر در نهاییه، جلد ۵، صفحه ۲۲۸ - تاریخ بغداد، جلد ۸، صفحه ۲۹۰ (بخ بخ یا بن ابیطالب، أصبحت مولای و مولا كل مسلم) - البدایه و النهایه، جلد ۷، صفحه ۳۸۶ (هنیئاً لك یا بن ابیطالب، أصبحت الیوم ولیّ كل مؤمن) - خطیب خوارزمی در مناقب، صفحه ۹۴ - کنز العمال، جلد ۱۳، صفحه ۱۳۴ (هنیئاً لك یا بن ابیطالب، أصبحت و أمسیت مولى كل مؤمن و مؤمنة).

۸۹. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۴ - إعلام الوری، صفحه ۱۳۹ - كشف الیقین، صفحه ۲۵۰.

ینادیهم یوم الغدیر نبیّهم بخم فأسمع بالرسول منادیاً

و قال من مولاکم و ولیّکم؟ فقالوا و لم یبدوا هناك التعادیا

إلهک مولانا و انت ولیّنا و لن تجدنّ منا لك الیوم عاصیاً

فقال له قم یا علی فإنتی رضیتک من بعدی اماماً و هادیا

۹۰. مدارک اهل تسنن: تذکره خواص الامه، صفحه ۳۳ - مناقب خوارزمی صفحه ۸۱ و ۸۰ - فرائد السمطین، جلد ۱، سمط ۱، باب ۱۲، حدیث ۴۰ و ۳۹، صفحه ۷۵ و ۷۴ و ۷۳ - کفایه الطالب، صفحه ۶۴.

۹۱. مدارک شیعه: ارشاد، صفحه ۹۵ و ۹۴ - إعلام الوری، صفحه ۱۴۰ و ۱۳۹ - أمالی صدوق، صفحه ۴۶۰ (مجلس ۸۴) - خصائص الائمه، صفحه ۴۲.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیت الله محمد علی جاودان

دفتر مطالعات، پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

مرکز رسیدگی به امور مساجد